

که وظیفه تنظیم مقررات متناسب برای دستیابی به سیاست‌های کلان و حتی جزئی را برعهده دارد. مکانیسم‌های طبیعی بازار که نمی‌توانند این سیاست‌ها را دنبال کنند و اساساً شرکت‌های خصوصی یا خصوصی هم که به دنبال منافع سهامداران خود هستند، دلیلی برای پایش آینده‌نگرانه و بلندمدت صنعت ندارند.

نهادی تنظیم‌گراست که وظیفه مهم تخصیص بهینه منابع را به عهده بگیرد. از طرفی، ذات مکانیسم بازار هم بر تأمین سود بالاتر برای شرکت‌ها استوار است و با بزرگ شدن احتمالی این شرکت‌ها فرصت برای رشد متوازن از بین می‌رود و چالش‌های دیگری برای کشوری مثل ایران ایجاد می‌شود. نهاد تنظیم‌گری باید باشد تا از بروز رفتارهای ضد رقابتی جلوگیری کند و این اطمینان را ایجاد کند که شرکت‌های بزرگتر و قدرتمندتر در جهت منافع خود، به رقابتی جدید و مصرف‌کنندگان آسیبی وارد نمی‌کنند. بنابراین، یکی از اهداف اصلی تنظیم‌گری، جلوگیری از شکست بازار به منظور حمایت از مصرف‌کنندگان و جامعه است.

اگر بخواهیم مصداقی صحبت کنیم، یکی از دلایل توسعه روزافزون واحدهای متانولی در ایران، توجه به سود بالای آنها در مقطع دهه ۹۰ بود که سبب رشد فراتر از انتظار این واحدها شد که یکی از ساده‌ترین محصولات پایه پتروشیمی ایران را تولید می‌کنند. سرمایه‌گذاران مختلف، با اتکا به قیمت خوراک مناسب و قیمت بالای محصول و فناوری در دسترس، اقدام به احداث واحدهای زیاد متانول کردند که در دوره مناسبی، سوددهی بالایی برای سهامداران ایجاد کرد. اما امروز با تحریم خرید محصولات پتروشیمی ایران از جمله متانول از سوی کشورهای اروپایی و هند و کره جنوبی، عمده بازار صادراتی این محصول ایران محدود به چین شده است.

وقتی قیمت متانول CFR چین را با قیمت کره جنوبی و هند، مقایسه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که با چه ضرر بزرگی مواجه شده‌ایم. به عنوان نمونه، در ماه گذشته، قیمت متانول چین در اروپا حدود ۶۰۰ دلار و در هند و کره حدود ۳۲۰ دلار بود درحالی‌که قیمت در چین، ۲۴۵ دلار است. ریشه این مشکل به قیمت‌گذاری نامناسب خوراک محصولات پایه پتروشیمی در سال‌های گذشته برمی‌گردد. نرخ پایین خوراک سبب هجوم سرمایه‌گذاران به تولید متانول و این سیاست سبب کاهش رغبت سرمایه‌گذاران نسبت به صنایع

حدی بازیابی کند. چراکه در این دوره، تمشیت امور ملی پتروشیمی با مجوزهای صادرشده دوباره به شرکت ملی صنایع پتروشیمی محول شد و نه به مراکزی مثل اداره کل مدیریت بحران استان یا فرمانداری شهرستان با...

به‌طور طبیعی در این دوره، دستورالعمل مدیریت تولید در شرایط بحران، تدوین شد و شرکت ملی صنایع پتروشیمی جزو نهادهای موفق در این دوره ۱۲ روزه بود. شاید همین مسأله سبب شد تا موضوع تصویب اساسنامه شرکت ملی صنایع پتروشیمی این بار جدی‌تر از همیشه، تعقیب شود.

اما باید تأکید کنم که در حوزه تنظیم‌گری، باید حوزه‌های اصلی و میزان نفوذ شرکت ملی صنایع پتروشیمی در بخش‌های مختلف، مشخص شود. همچنین مشخص شود که شرکت ملی صنایع پتروشیمی به عنوان نهاد صالح دولتی در حوزه‌های مشترک با سایر نهادهای دولتی چه جایگاهی دارد و مرزهای مداخله این نهادها در بخش صادرات، تسهیلات، آب و انرژی، محیط زیست، خوراک گازی و مایع و... در کنار وزارت صمت، اقتصاد، نیرو، سازمان محیط زیست و شرکت ملی نفت و... کجاست؟

■ چگونه می‌توان از ایجاد یک رگولاتور جدید دفاع کرد، در حالی که فعالان صنعت نگران‌اند این نهاد به جای تنظیم‌گری، به یک لایه بوروکراسی مداخله‌گر و پرهزینه تبدیل شود؟

همان طور که در ابتدا گفتم، باید جایگاه ویژه صنایع پتروشیمی در ارزیابی برای کشور و تاب‌آوری اقتصاد ایران را ارج نهاد و برای مدل ایران، از تنظیم‌گری دفاع کرد. اساساً وقتی به موضوع صادرات محصولات پتروشیمی و واردات بعضی اقلام دقیق می‌شویم، اهمیت جایگاه تنظیم‌گری در صنعت پتروشیمی بسیار روشن‌تر جلوه می‌کند. اگر نهاد تنظیم‌گری نباشد که با نگاهی واقع‌بینانه و آینده‌نگرانه به موضوعات فناوری‌های متنوع این صنعت و زنجیره ارزش آن و نیازهای کشور، بیندیشد، چگونه می‌توان به خلق ارزش بالاتر برای کشور فکر کرد؟ چگونه می‌توان به صورت هدفمند و مدون، با ظرفیت مازاد مواجه شد؟

بنابراین به کمک نهاد تنظیم‌گراست که مسیر حرکت آینده صنعت و سایر صنایع وابسته تعیین می‌شود و این نهاد تنظیم‌گراست



در حوزه تنظیم‌گری، باید حوزه‌های اصلی و میزان نفوذ شرکت ملی صنایع پتروشیمی در بخش‌های مختلف، مشخص شود. همچنین مشخص شود که شرکت ملی صنایع پتروشیمی به عنوان نهاد صالح دولتی در حوزه‌های مشترک با سایر نهادهای دولتی چه جایگاهی دارد و مرزهای مداخله این نهادها در بخش صادرات، تسهیلات، آب و انرژی و... کجاست؟

